

مالیات‌گریزی سرقت خاموش از آینده ایران



سردار حسین رحیمی
رئیس پلیس امنیت اقتصادی

فرار مالیاتی به معنای استفاده از روش‌های غیرقانونی برای نپرداختن مالیات یا پرداخت مبلغی کمتر از آنچه طبق قانون باید پرداخت شود، است. این کار با اجتناب مالیاتی که استفاده از خلأهای قانونی برای کاهش مالیات است (و در مرز قانونی است)، کاملاً متفاوت است. فرار مالیاتی یعنی دروغ گفتن، پنهان کاری و جعل. فرار مالیاتی مانند سوراخی در مخزن منابع مالی کشور است که باعث می‌شود دولت نتواند وظایف خود را به درستی انجام دهد. در اینجا به بررسی دقیق مشکلات و پیامدهای آن می‌پردازیم:

۱. آسیب‌های اقتصادی (تضعیف ستون فقرات دولت)

دولت‌ها برای تأمین بودجه خود (ساخت جاده، مدرسه، بیمارستان و پرداخت حقوق کارمندان) به مالیات متکی هستند. فرار مالیاتی این چرخه را مختل می‌کند: کاهش بودجه عمومی و کیفیت خدمات؛ وقتی حجم مالیات دریافتی کم شود، دولت یا مجبور است خدمات عمومی (مثل بهداشت و آموزش) را کاهش دهد، یا مجبور است برای جبران کسری بودجه، هزینه‌های خود را بالا ببرد. افزایش فشار بر طبقه متوسط و در ستکان: این یکی از بزرگ‌ترین بی‌عدالتی‌هاست. وقتی افراد قدرتمند یا شرکت‌های بزرگ از پرداخت مالیات فرار می‌کنند، دولت برای تأمین بودجه، مجبور است فشار مالیاتی را روی کسانی که مالیات خود را می‌دهند (مانند حقوق‌بگیران و کسب‌وکارهای کوچک) افزایش دهد. این یعنی نابرابری اقتصادی عمیق‌تر می‌شود.

۲. آسیب‌های ساختاری و رقابتی (نابرابری در بازار)

ایجاد رقابت ناعادلانه، کسب و کارهایی که مالیات خود را به درستی پرداخت می‌کنند، هزینه‌های عملیاتی بالاتری دارند. در مقابل، کسب‌وکارهای فراری از مالیات، هزینه‌های کمتری دارند و می‌توانند با قیمت‌های بسیار پایین‌تر در بازار رقابت کنند. این باعث می‌شود کسب‌وکارهای قانونی و اخلاقی مدار از بازار حذف شوند که این موضوع از مصادیق ظلم و تعدی افرادی است که از پرداخت مالیات خودداری می‌کنند و به واسطه این تخلف افراد متعددی که در پرداخت مالیات جدی هستند متضرر می‌شوند.

۳. تضعیف فرار داد اجتماعی: در یک جامعه سالم، مردم با پرداخت مالیات، در واقع در حال

خرید خدمات اجتماعی و مشارکت در اداره کشور هستند. وقتی مردم می‌بینند دیگران (به‌ویژه ثروتمندان) به راحتی از پرداخت مالیات فرار می‌کنند، احساس بی‌عدالتی می‌کنند و در نتیجه اعتمادشان به دولت و سیستم قانونی از بین می‌رود.

۴. آسب‌های اجتماعی و اخلاقی (از بین رفتن اعتماد)

تضعیف فرار داد اجتماعی: در یک جامعه سالم، مردم با پرداخت مالیات، در واقع در حال خرید خدمات اجتماعی و مشارکت در اداره کشور هستند. وقتی مردم می‌بینند دیگران (به‌ویژه ثروتمندان) به راحتی از پرداخت مالیات فرار می‌کنند، احساس بی‌عدالتی می‌کنند و در نتیجه اعتمادشان به دولت و سیستم قانونی از بین می‌رود.

۵. آسب‌های اجتماعی و اخلاقی (از بین رفتن اعتماد)

تضعیف فرار داد اجتماعی: در یک جامعه سالم، مردم با پرداخت مالیات، در واقع در حال خرید خدمات اجتماعی و مشارکت در اداره کشور هستند. وقتی مردم می‌بینند دیگران (به‌ویژه ثروتمندان) به راحتی از پرداخت مالیات فرار می‌کنند، احساس بی‌عدالتی می‌کنند و در نتیجه اعتمادشان به دولت و سیستم قانونی از بین می‌رود.

۶. آسب‌های اجتماعی و اخلاقی (از بین رفتن اعتماد)

تضعیف فرار داد اجتماعی: در یک جامعه سالم، مردم با پرداخت مالیات، در واقع در حال خرید خدمات اجتماعی و مشارکت در اداره کشور هستند. وقتی مردم می‌بینند دیگران (به‌ویژه ثروتمندان) به راحتی از پرداخت مالیات فرار می‌کنند، احساس بی‌عدالتی می‌کنند و در نتیجه اعتمادشان به دولت و سیستم قانونی از بین می‌رود.

۷. آسب‌های اجتماعی و اخلاقی (از بین رفتن اعتماد)

تضعیف فرار داد اجتماعی: در یک جامعه سالم، مردم با پرداخت مالیات، در واقع در حال خرید خدمات اجتماعی و مشارکت در اداره کشور هستند. وقتی مردم می‌بینند دیگران (به‌ویژه ثروتمندان) به راحتی از پرداخت مالیات فرار می‌کنند، احساس بی‌عدالتی می‌کنند و در نتیجه اعتمادشان به دولت و سیستم قانونی از بین می‌رود.

۸. آسب‌های اجتماعی و اخلاقی (از بین رفتن اعتماد)

تضعیف فرار داد اجتماعی: در یک جامعه سالم، مردم با پرداخت مالیات، در واقع در حال خرید خدمات اجتماعی و مشارکت در اداره کشور هستند. وقتی مردم می‌بینند دیگران (به‌ویژه ثروتمندان) به راحتی از پرداخت مالیات فرار می‌کنند، احساس بی‌عدالتی می‌کنند و در نتیجه اعتمادشان به دولت و سیستم قانونی از بین می‌رود.

۹. آسب‌های اجتماعی و اخلاقی (از بین رفتن اعتماد)

تضعیف فرار داد اجتماعی: در یک جامعه سالم، مردم با پرداخت مالیات، در واقع در حال خرید خدمات اجتماعی و مشارکت در اداره کشور هستند. وقتی مردم می‌بینند دیگران (به‌ویژه ثروتمندان) به راحتی از پرداخت مالیات فرار می‌کنند، احساس بی‌عدالتی می‌کنند و در نتیجه اعتمادشان به دولت و سیستم قانونی از بین می‌رود.

۱۰. آسب‌های اجتماعی و اخلاقی (از بین رفتن اعتماد)

تضعیف فرار داد اجتماعی: در یک جامعه سالم، مردم با پرداخت مالیات، در واقع در حال خرید خدمات اجتماعی و مشارکت در اداره کشور هستند. وقتی مردم می‌بینند دیگران (به‌ویژه ثروتمندان) به راحتی از پرداخت مالیات فرار می‌کنند، احساس بی‌عدالتی می‌کنند و در نتیجه اعتمادشان به دولت و سیستم قانونی از بین می‌رود.

۱۱. آسب‌های اجتماعی و اخلاقی (از بین رفتن اعتماد)

تضعیف فرار داد اجتماعی: در یک جامعه سالم، مردم با پرداخت مالیات، در واقع در حال خرید خدمات اجتماعی و مشارکت در اداره کشور هستند. وقتی مردم می‌بینند دیگران (به‌ویژه ثروتمندان) به راحتی از پرداخت مالیات فرار می‌کنند، احساس بی‌عدالتی می‌کنند و در نتیجه اعتمادشان به دولت و سیستم قانونی از بین می‌رود.

۱۲. آسب‌های اجتماعی و اخلاقی (از بین رفتن اعتماد)

تضعیف فرار داد اجتماعی: در یک جامعه سالم، مردم با پرداخت مالیات، در واقع در حال خرید خدمات اجتماعی و مشارکت در اداره کشور هستند. وقتی مردم می‌بینند دیگران (به‌ویژه ثروتمندان) به راحتی از پرداخت مالیات فرار می‌کنند، احساس بی‌عدالتی می‌کنند و در نتیجه اعتمادشان به دولت و سیستم قانونی از بین می‌رود.

۱۳. آسب‌های اجتماعی و اخلاقی (از بین رفتن اعتماد)

تضعیف فرار داد اجتماعی: در یک جامعه سالم، مردم با پرداخت مالیات، در واقع در حال خرید خدمات اجتماعی و مشارکت در اداره کشور هستند. وقتی مردم می‌بینند دیگران (به‌ویژه ثروتمندان) به راحتی از پرداخت مالیات فرار می‌کنند، احساس بی‌عدالتی می‌کنند و در نتیجه اعتمادشان به دولت و سیستم قانونی از بین می‌رود.

۱۴. آسب‌های اجتماعی و اخلاقی (از بین رفتن اعتماد)

تضعیف فرار داد اجتماعی: در یک جامعه سالم، مردم با پرداخت مالیات، در واقع در حال خرید خدمات اجتماعی و مشارکت در اداره کشور هستند. وقتی مردم می‌بینند دیگران (به‌ویژه ثروتمندان) به راحتی از پرداخت مالیات فرار می‌کنند، احساس بی‌عدالتی می‌کنند و در نتیجه اعتمادشان به دولت و سیستم قانونی از بین می‌رود.

حواشی

سرویس حوادث ۸۵۲۳۰۶۰

قاتل پسر عمو به احترام امام حسین (ع) بخشیده شد

غلامرضا مسکنی

قاتل پسر عمو که ۱۲ سال در بلاتکلیفی در زندان به سر می‌برد، به احترام ماه محرم و امام حسین(ع) از سوی اولیای دم بخشیده و از زندان آزاد شد.

روز بیست و سوم دی ماه سال ۱۳۹۳، مأموران پلیس یکی از شهرهای خراسان رضوی از درگیری خونین دو پسر عمو در یکی از محله‌های شهر باخبر شدند. تیمی از مأموران پلیس راهی محل شدند و دریافتند لفظاتی قبل، دو پسر عمو با هم درگیر شده‌اند و در جریان آن، یکی از آنها به نام حمید با ضربات چاقو به شدت زخمی و برای درمان به بیمارستان منتقل شده‌است.

مأموران پلیس برای بررسی بیشتر به بیمارستان رفتند، اما تیم پزشکی اعلام کرد تلاش برای نجات جان پسر زخمی نتیجه‌ای نداشته و او بر اثر شدت خونریزی در اتاق عمل جان باخته است.

دستگیری و اعتراف

خبر قتل پسر جوان، پرونده را وارد مرحله تازه ای کرد. کارآگاهان پلیس آگاهی به دستور باز پرس جنایی، پسر عمو مقتول را به نام ایرج به اتهام قتل عمد بازداشت کردند.

متهم پس از انتقال به اداره پلیس، با اظهار پشیمانی به قتل پسر عمویش اعتراف کرد. وی در توضیح ماجرا گفت: «مدتی بود خانواده من با خانواده عمومی اختلاف خانوادگی پیدا کرده بودند. همین موضوع باعث شد من و پسر عموم که قبل با هم دوست بودیم، با هم اختلاف پیدا کنیم. معمولاً خانواده‌هایمان پشت سر هم بدگویی می‌کردند و به همین سبب اختلافات و دلخوری‌های روز به روز بیشتر می‌شد. مدتی قبل به من خبر دادند حمید پشت سر من بدگویی می‌کند. تصمیم گرفتم به سراغش بروم و از او گله کنم و موضوع را حل کنیم.»

از گفت‌وگو تا درگیری و قتل

متهم ادامه داد: «روز حادثه، جلوی خانه عمومی رفتم و حمید هم برای صحبت کردن داخل کوچه آمد. لحظات اول به خوبی پیش رفت و با هم صحبت و گله می‌کردیم، اما کم‌کم صحبت ما مسر اختلافات خانوادگی به مشاجره لفظی کشید. وقتی درگیری ما بالا گرفت، با هم گلاویز شدیم و یکدیگر را کتک زدیم. در جریان کتک‌کاری عصبانی شدم و با چاقو ضربتی به پسر عموم زدم. پس از این حادثه از آنجا رفتم، اما تصور نمی‌کردم او به قتل برسد. الان خیلی پشیمان



هستم و امیدوارم عمومی و همسرش مرا ببخشند.

محکومیت به قصاص و بلاتکلیفی ۱۲ ساله
متهم پس از اعتراف و بازسازی صحنه جرم راهی زندان شد. مدتی بعد در دادگاه محاکمه شد و با درخواست اولیای دم به قصاص محکوم شد. رأی دادگاه در دیوان عالی کشور تأیید شد و برای سیر مراحل اجرای حکم به شعبه اجرای احکام فرستاده شد.

اما متهم هیچ‌گاه پای چوبه دار نرفت. اولیای دم او را نبخشیدند، اما برای اجرای حکم نیز هرگز در زندان حاضر نشدند. در این مدت، قاتل در زندان سختی‌های زیادی را تحمل کرد و خبرهای ناگوار را از بیرون از زندان شنید.

خبرهای تلخ؛ فوت مادر و سانحه پدر

یک سال از تأیید حکم قصاصش نگذشته بود که با خبر شد مادرش سکنه کرده و فوت شده‌است. او به دلایل مختلف حتی نتوانست در مراسم خاکسپاری مادرش شرکت کند. حسرت آن روز برای همیشه در دلش ماند. متهم در این مدت در بلاتکلیفی به سر می‌برد. هر روز و شب، سایه قصاص را بالای سرش احساس می‌کرد تا اینکه چندی قبل خبر ناگوارتری شنید. پدرش که به بیماری دیابت مبتلا بود، در جریان یک حادثه رانندگی به شدت زخمی شد و به کما رفت.

نامه از زندان؛ رهایی از بلاتکلیفی

خبرهای تلخ و سختی‌های زندان و ۱۲ سال بلاتکلیفی، او را واداشت تا نامه‌ای به عمومی بنویسد. ایرج در آن نامه نوشت: «در این سال‌ها خبر فوت مادرم را شنیدم و الان با خبر شدم پدرم در حادثه رانندگی به کما رفته‌است. ۱۲ سال است در انتظار چوبه دار، خواب‌های آشفته می‌بینم. الان درخواست دارم اگر قرار است قصاصم کنید، حکم را اجرا کنید و مرا از این بلاتکلیفی نجات دهید.»

بخشش به احترام امام حسین (ع)

نامه این زندانی دل اولیای دم را به رحم آورد. آنها در آستانه ماه محرم به احترام امام حسین (ع)، قاتل را بدون هیچ چشمداشتی بخشیدند.

بدین ترتیب، مرد زندانی صبح روز پنج‌شنبه پس از ۱۲ سال از زندان آزاد شد و به آغوش خانواده‌اش بازگشت.

روایت قاتل از سختی‌های زندان

ایرج پس از آزادی، از سختی‌ها و مشکلاتی که در طول این مدت در

زندان گریبانگیرش شده بود، گفت: «زندان برای من ۱۲ سال کابوس بود که با دست خودم رقم زده بودم. وقتی مادرم فوت کرد، سکنه قلبی کردم و تا پای مرگ رفتم. بار دیگر، در یک بازی والیبال، درگیری بین تیم ما و تیم مقابل پیش آمد. در جریان آن، یکی از زندانی‌ها در سرویس بهداشتی مرا با چاقو زد و در برنگام مرگ قرار گرفتم، اما نجات پیدا کردم.»

قصه زیارت و کمک به دیگران

متهم ادامه داد: «الان که از زندان آزاد شده‌ام، حس خیلی خوبی دارم. تصمیم دارم در ماه محرم به زیارت امام حسین(ع) در کربلا بروم. می‌خواهم تا جایی که توان دارم به دیگران کمک کنم. مدیون عمو و زن عمومی هستم. می‌خواهم این بزرگواری آنان را جبران کنم، هر چند که می‌دانم این کار غیر قابل جبران است.»

فروش سلاح

در ساعت ملاقات بیماران

مرکز اطلاع‌رسانی پلیس تهران بزرگ از انهدام یک پابند قاچاق سلاح خبر داد که با پوشش «عبادت از بیسار» در یکی از بیمارستان‌های سعادت‌آباد، اقدام به فروش اسلحه می‌کردند. به گزارش «جوان»، مأموران پایگاه یکم پلیس اطلاعات تهران با رصدای اطلاعاتی، متوجه رفتار مشکوک فردی در ساعات ملاقات مرکز درمانی شدند. تحقیقات پلیسی نشان داد که این متهم، سلاح‌های قاچاق را از استان‌های شمال غربی به تهران منتقل می‌کرده و در پوشش همراه بیمار، در شلوغی راهروها و بخش‌های مختلف بیمارستان، اسلحه را به مشتریان تحویل می‌داده است. با تکمیل اطلاعات، مأموران در یک عملیات غافلگیرانه، سرکرده این پاندر اروج شلوغی بیمارستان دستگیر کردند. سپس با پیگیری‌های شتابان روزی، همدمت وی و وظیفه‌انتقال محموله‌ها را بر عهده داشت، در عملیاتی جداگانه به دام افتاد. در بازرسی از متهمان، یک قبضه سلاح جنگی، مهمات و انواع سلاح سرد کشف و ضبط شد. متهمان در بازجویی‌ها به کولان از این راه‌انداز غیرقانونی اعتراف کردند.

اعتراف شوهر

به قتل همسر ۳۸ ساله در آق‌قلا

فرمانده انتظامی آق‌قلا در استان گلستان از بازداشت مرد میانسال به اتهام قتل همسرش خبر داد.

سر هتنگ حسین صفرزاد گفت: پس از وقوع قتل در یکی از روستاهای اطراف پاسگاه شیخ موسی، کارآگاهان پلیس آگاهی وارد عمل شدند. به گفته وی، بررسی‌ها نشان داد که زن ۳۸ ساله‌ای به دست شوهر ۴۱ ساله‌اش به قتل رسیده‌است. این مرد تحت تعقیب قرار گرفت و بازداشت شد. صفرزاد گفت: متهم در بازجویی‌ها اعتراف کرد ده‌ساعت به خاطر اختلافی که با همسرش داشت با وی درگیر شده و حادثه را رقم زده‌است.

قتل همسر در نیمه شب

آزمین بینا

مردی نیمه‌های شب با چکش و چاقو همسرش را به قتل رساند و سپس خود را با پلیس معرفی کرد.

ساعت ۳ بامداد پنج‌شنبه، بیست و یکم خرداد، مأموران کلاترزی بی‌سیم تماسی تلفنی دریافت کردند که آنها را به یکی از ساختمان‌های مسکنی در تهران کشاند. مرد جوانی با صدایی که از شدت ناراحتی می‌لرزید، گفت: «همسرم را کشته‌ام. الان پشیمانم، بباید و مرا تبرید. دیگر طاقت ندارم.» پس از قطع تماس، تیمی از مأموران بلافاصله به آدرس اعلام‌شده اعزام شدند.

صحنه دلخراش در اتاق خواب

مأموران در اتاق خواب طبقه دوم ساختمان مسکنی با جسد زن جوانی به نام مریم روبه‌رو شدند. آثار ضربات متعدد جسم سخت روی سر و نیز ضربات چاقو روی بدن او به وضوح دیده می‌شد. قاتل که همان شوهر مقتول بود، در محل حضور داشت و خود را تسلیم مأموران کرده‌بود.

ورود بازپرس ویژه قتل

با تأیید خبر قتل زن جوان، قاضی سالار صنعتگر، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران، همراه با تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی راهی محل حادثه شدند. بررسی‌های تیم جنایی نشان داد مریم ۲۸ ساله نیمه‌های شب به دست



شوهرش به قتل رسیده و قاتل ساعتی بعد با تماس با پلیس، خود را تسلیم کرده است.

اعتراف
متهم در بازجویی‌ها با اظهار پشیمانی به قتل

آگهی قانون تعیین تکلیف اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی شهرستان الیگودرز سری (۲۸۱) جمعی

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی، املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی الیگودرز مور در سیدگی و تصرفات مالکانه و بلا معارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل در دو نوبت آگهی می‌گردد. در صورتی که هر کس نسبت به صدور سند مالکیت بنام متقاضیان اعتراض داشته باشد می‌تواند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را کتبا به اداره ثبت اسناد و املاک محل تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع محترم قضایی تقدیم و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل نماید. در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت مینماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵.۳.۲۳ نوبت دوم: ۱۴۰۵.۴.۷

- ۱- تقاضای «محمدحاج محمدی» فرزند «نادر» نسبت به «شش‌دانگ زمین مزروعی آبیزار» بمساحت «۷۵۰،۰۰۰ مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۶۱۱۸» فرعی از «۷۶» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «ابراهیم حاج محمدی»
- ۲ تقاضای «محمدحاج محمدی» فرزند «نادر» نسبت به «شش‌دانگ زمین مزروعی آبیزار» بمساحت «۷۵۰،۰۰۰ مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۶۱۱۸» فرعی از «۷۶» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «ابراهیمحاج محمدی»
- ۳ تقاضای «محمدحاج محمدی» فرزند «نادر» نسبت به «شش‌دانگ زمین مزروعی آبیزار» بمساحت «۷۵۰،۰۰۰ مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۶۱۱۸» فرعی از «۷۶» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «ابراهیم حاج محمدی»
- ۴ تقاضای «محمدحاج محمدی» فرزند «نادر» نسبت به «شش‌دانگ زمین مزروعی آبیزار» بمساحت «۷۵۰،۰۰۰ مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۶۱۱۸» فرعی از «۷۶» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «ابراهیم حاج محمدی»
- ۵ تقاضای «محمدحاج محمدی» فرزند «نادر» نسبت به «شش‌دانگ زمین مزروعی آبیزار» بمساحت «۷۵۰،۰۰۰ مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۶۱۱۸» فرعی از «۷۶» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «ابراهیم حاج محمدی»
- ۶ تقاضای «محمدحاج محمدی» فرزند «نادر» نسبت به «شش‌دانگ زمین مزروعی آبیزار» بمساحت «۷۵۰،۰۰۰ مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۶۱۱۸» فرعی از «۷۶» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «ابراهیم حاج محمدی»
- ۷ تقاضای «محمدحاج محمدی» فرزند «نادر» نسبت به «شش‌دانگ زمین مزروعی آبیزار» بمساحت «۷۵۰،۰۰۰ مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۶۱۱۸» فرعی از «۷۶» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «ابراهیم حاج محمدی»
- ۸ تقاضای «محمدحاج محمدی» فرزند «نادر» نسبت به «شش‌دانگ زمین مزروعی آبیزار» بمساحت «۷۵۰،۰۰۰ مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۶۱۱۸» فرعی از «۷۶» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «ابراهیم حاج محمدی»
- ۹ تقاضای «محمدحاج محمدی» فرزند «نادر» نسبت به «شش‌دانگ زمین مزروعی آبیزار» بمساحت «۷۵۰،۰۰۰ مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۶۱۱۸» فرعی از «۷۶» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «ابراهیم حاج محمدی»
- ۱۰ تقاضای «محمدحاج محمدی» فرزند «نادر» نسبت به «شش‌دانگ زمین مزروعی آبیزار» بمساحت «۷۵۰،۰۰۰ مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۶۱۱۸» فرعی از «۷۶» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «ابراهیمحاج محمدی»

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک کوه‌دشت

سیداحمد رحیمی

مه‌الف: ۵۸۳۳

شماره آگهی: ۲۲۰۴۵۴۲

امور مشترکین و توزیع
روزنامه جوان
۸۸۴۹۸۴۷۵

به جوان
دوباره نگاه کن
Javanonline.ir

